

بگفتند

سال هشتم • شماره ۶۹

۱۲ صفحه • خرداد ماه ۱۴۰۲

ماهنامه سیاسی

@anjomanalzahra

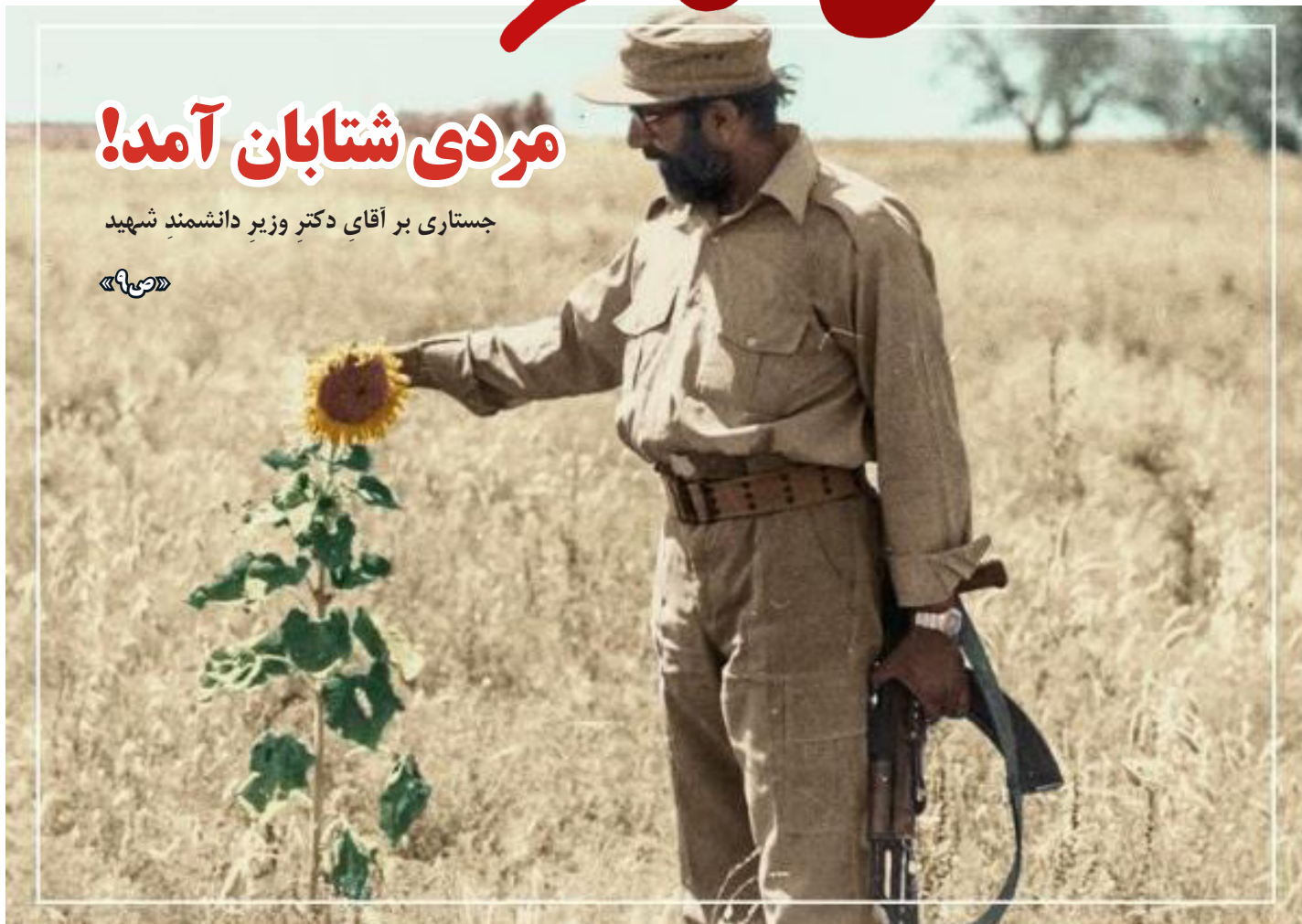
@anjoman_islami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

مردی شتابان آمد!

جستاری بر آقای دکتر وزیر دانشمند شهید

«ص ۹۰»



سخن سردبیر

در چاله چوله‌های زمانه

در زمانه‌ای به سر می‌بریم که برای حل مشکل معیشت و بیرون آمدن از گرداب اقتصاد هر روز نسخه‌ای می‌پیچند. یک روز معیشت مردم را با یارانه‌ی نقدی ماهانه تضمین می‌کنند. روز دیگر زندگی ملت را به برجام گره می‌زنند. روز دیگر سفره‌ی ملت را به قیمت‌های لحظه‌ای دلار می‌بندند. امروز هم کالابریگ الکترونیکی را روانه‌ی زندگی مردم می‌کنند. این نسخه‌ها از چاه درآمدن به چاله افتادن است. راهکارهایی با اثرگذاری موقت. بنا به فرموده‌ی رهبری: «اقتصاد را باید ریشه‌ای حل کرد.» کشوری که زمانی انقلاب برپا کرد و شد الگویی برای دیگر مظلومین جهان، کشوری چون ایران با این همه نخبگان علمی و دستاوردهای عظیم، چطور از حل مشکل معیشت مردم ناتوان است؟ درست است بخشی از منحل‌ماندن این مشکل به تحریم‌ها و جفای ناخوانمردانه‌ی آمریکا به ملت ایران برمی‌گردد؛ اما بخشی از آن که در دست خود ماست. چرا اولین مشکلی که در ذهن یک ایرانی نقش می‌بندد، اقتصادی است؟

تربیت‌شدگان مکتب خمینی (ره) از پا نمی‌نشینند. اولویت آن‌ها در حل مصائب مردم است؛ نه این‌که ببینند از این خوان یغما چقدر می‌توان به تاراج برد؟ امام خمینی (ره) با اتصال به منبع نور توانست ملتی را بیدار کند. حماسه‌ی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حکایت از همین بصیرت دارد. مردم کفن پوشیده به خیابان‌ها آمدند و در برابر طاغوت ایستادند. رحلت مرد بی‌ادعای تاریخ در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ سرچشمه‌ی انقلاب اسلامی را بیش از پیش ارزشمند ساخت. اکنون این سرچشمه به دریایی در قلب جوانان جان‌برکف ایرانی مبدل شده‌است. هر کجا اسلام به خطر افتاد، هر کجا مفسدانی چون موریانه به جان انقلاب افتادند، آن کسانی که به یک اشاره‌ی ولی خود به میدان رفتند، جوانان بودند. این جان‌فشانی تا همین امروز نیز ادامه دارد.

در روزگاری که مادری داغ‌دیده در آتش فتنه‌ی دشمن افتاده و به جای حق به باطل ایمان آورده‌است، شاهد از خودگذشتگی مرزبانان ایرانی بودیم. تنش بین تهران و کابل، شهادت مرزبانان ایرانی را رقم زد. نیروهای طالب نمی‌دانستند جوان ایرانی سرش برود، قید وطن را نخواهد زد. حقایق ایران ماجرای دیرینه‌ای است که کرسی‌داران مملکت نباید از آن غافل شوند.

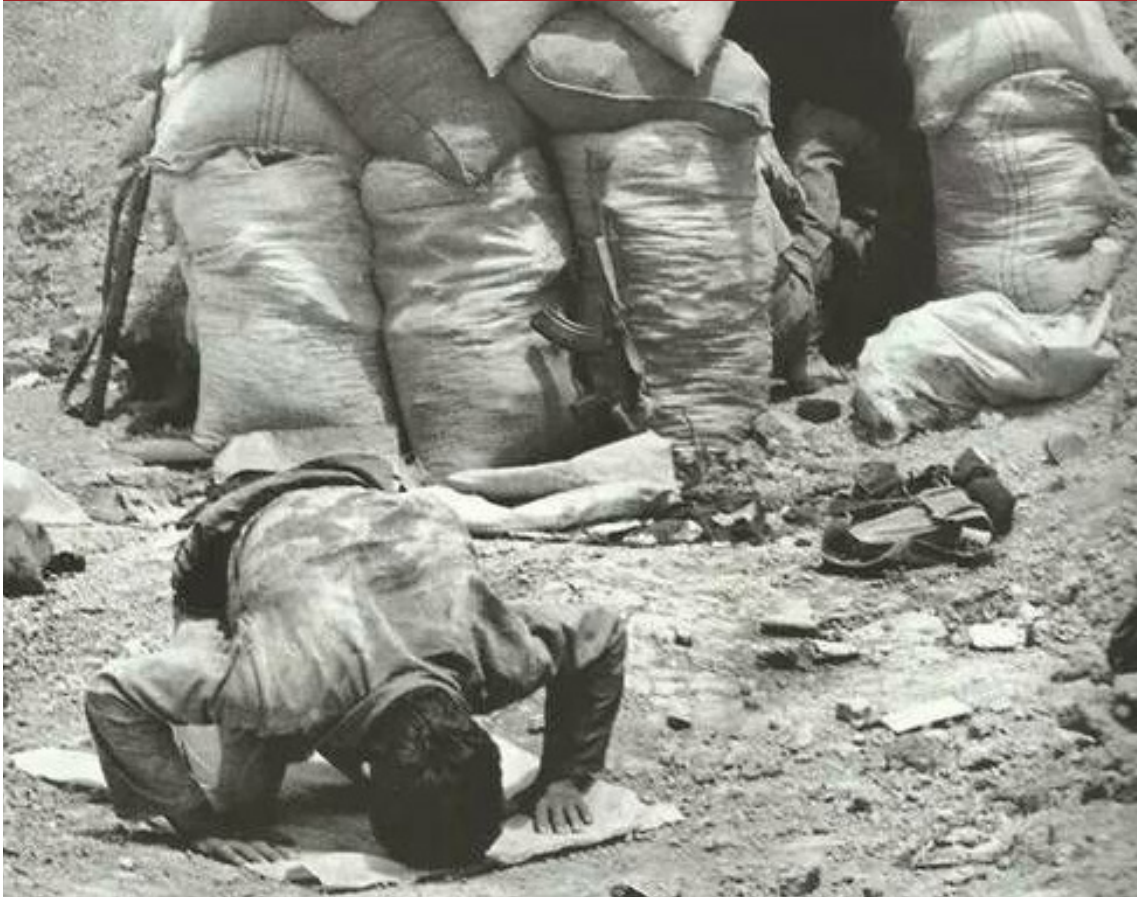
در چنین زمانه‌ای که تمام هم‌وغم دشمن بر زمین گرم زدن جمهوری اسلامی است، در مجامع بین‌المللی ایران را به عنوان نایب‌رئیس مجمع عمومی سازمان ملل برمی‌گزینند. انتخابی که اسرائیل آن را توهین به میلیون‌ها ایرانی می‌داند. همین قدر سفیه! هزاران حيله و نیرنگ برای پرکردن جیب‌های خود از دلار و خارج کردن ایران از مجامع بین‌المللی با یک انتخاب خنثی شد. غیر از آزار و اذیت، کاری از آن‌ها ساخته نیست. «لن یضروکم الا اذی» سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران؛ آیه‌ی ۱۱۱

رقبه خادم‌نیا

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به: شهید سروان محمد قنبری. پدری با ۵ فرزند که در ایزه برای حفظ امنیت و سلامت مردم شهید شد.



قاب یازدهم: ۳ خردادماه سالروز پیروزی خرمشهر؛ نماز شکر مجاهد ایرانی
پس از فتح خرمشهر



احیای طرح نوستالژیک با اسمی جدید

جستاری بر کالابریگ الکترونیک جایگزین یارانه‌ی نقدی

● زهرا سعیدی - کارشناسی تاریخ

این طرح به وجود خواهد آمد، بازار سیاه کالاها و فساد اقتصادی حاصل از آن است؛ بازاری که دلان را قدرتمند کرده و حتی تعداد آن‌ها را افزایش می‌دهد. از آنجایی که تعداد و انواع اقلامی که به دست مردم می‌رسد محدود است، مردم در بین خود اقدام به خریدوفروش کالاها می‌کنند که ضرر زیادی خواهد رساند.

این نکته را هم باید در نظر گرفت، مشخص است اکثر مردم دریافتی نقدی را به دریافت فقط ده نوع کالا ترجیح می‌دهند؛ چراکه ممکن است یک خانواده به برخی اقلام مصرفی که در این طرح آمده احتیاجی نداشته باشند. باید توجه داشت که مردم اگر طبق برخی پیش‌بینی‌ها با این طرح ارتباط لازم را نگیرند و اقبال عمومی به همان یارانه‌ی نقدی باشد، پروژه‌ی کالابریگ الکترونیک به مرور به پایان خود نزدیک شده و فراموش می‌شود. ما اگر بخواهیم کرامت انسانی افراد را هم در نظر بگیریم که اتفاقاً به‌رغم اهمیت بالای آن در تحلیل‌ها و اخبار کمتر به آن توجه می‌شود، می‌بینیم صف‌هایی که قرار است این طرح برای مردم در دریافت کالا از فروشگاه‌ها ایجاد بکند، برخلاف آن است؛ اتفاقی که در سال‌های اخیر نیز در مورد طرح سبد کالای اقشار ضعیف جامعه افتاد و شاهد نمایشی دور از شأن افراد در صفوف فروشگاه‌ها بودیم.

ترجیحی را منوط به توزیع این کالابریگ گذاشت؛ اما ما برخورد و پیگیری‌ای که در سطح اهمیت این پروژه باشد را ندیدیم. در صورتی که نماینده‌ی مردم، باید به طور دائم به دنبال نفع مردم در همه‌ی طرح‌ها و مصوبات باشد به‌خصوص این طرح که مستقیم با سفره و معیشت روزمره‌ی مردم در ارتباط است و هر قصور یا اشتباهی می‌تواند سرنوشت اقتصادی کشور و وضع مالی مردم را دست‌خوش تغییر کند.

از تبعات مثبت این پروژه می‌توان به این مورد اشاره کرد که اگر پرداخت یارانه‌های نقدی کاهش پیدا کرده یا قطع شود، می‌تواند حجم رشد نقدینگی، تورم ناشی از افزایش حجم پول و کسری بودجه را تا حدی کنترل کند. مزیت دیگر این است که در طول مدت استفاده‌ی افراد از این طرح قیمت این اقلام ثابت خواهد ماند. نتیجه‌ی دیگری که از این طرح به نظر می‌رسد این است که کالابریگ الکترونیک الزام قانونی بیشتری نسبت به یارانه‌ی نقدی دارد.

با نگاهی به نظرات مخالفان این طرح یکی از دلایل این است که با اعطای طولانی‌مدت این کالابریگ به مردم، با ایجاد تصور دائمی بودن این خدمت آن را غیرقابل حذف می‌کنند؛ مانند یارانه‌های نقدی که تا به امروز از منابع بانک مرکزی در پرداخت آن استفاده می‌شود و البته به خودی خود از عوامل تورم‌زا در کشور نیز است.

یکی از تبعاتی که ناگزیر پس از

چند وقتی است در گوشه‌وکنار و گاهی در متن اخبار روز کلمه‌ای جدید اما با سابقه‌ای زیاد در کشور را می‌شنویم؛ کالابریگ الکترونیک. طرحی که دولت سیزدهم با هدف بهبود معیشت آن را مطرح کرد؛ اما طبق رویه‌ی معمول، شفافیت و توضیح عمومی و فراگیر برای شناساندن این طرح به قدر کافی وجود نداشت. حتی حالا که در یکی از استان‌های جنوبی کشور در حال اجرای آزمایشی است، عده‌ی زیادی از یارانه‌گیران از وقوع این طرح در آینده‌ای نزدیک اطلاعی ندارند یا به درستی آن را نمی‌شناسند.

طبق گفته‌های مسئولین اجرایی این طرح، این کالابریگ قرار است طبق خواسته‌ی خود افراد در صورتی که آن را به دریافت یارانه‌ی نقدی ترجیح بدهند، اعتباری به ۱۰ عدد از اقلام خوراکی اساسی خانوار تخصیص پیدا کند. کالاهایی از قبیل شیر، قند، روغن و غیره. حمید فرداد، مجری طرح کالابریگ الکترونیک، اظهار داشت که هر کد ملی برای خرید ۱۰ قلم کالای اساسی به ارزش ۵۳۰۰۰۰ تومان، ۲۹۴۲۵۰ تومان شارژ می‌شود و در صورتی که فرد از همه یا بخشی از اعتبار خود استفاده نکند، اعتبار باقی‌مانده‌ی ماه بعد به صورت یارانه‌ی نقدی به حساب او واریز می‌شود؛ اما عملکرد مجلس در خصوص پرداختن به این اتفاق باید جدی‌تر باشد. درست است که شاهد فعالیت‌ها و جلسات مجلس نمایندگان در این باره بودیم و اصلاً شرط حذف ارز

خون‌های ریخته در پس رؤیای هیرمند

تنش بین تهران و کابل بر سر ماجرای حقابه‌ی ایران

● آتنا هوشمند - کارشناسی زبان انگلیسی



پهلوی، ایران و افغانستان برای نزدیکی بیشتر به یکدیگر گام‌هایی برداشتند و از ۱۳۱۱ مذاکراتی را شروع کردند تا بتوانند اختلافات مرزی و مربوط به این حقابه را حل کنند که این مذاکرات در سال ۱۳۱۴ قدری نتیجه داد و منجر به حل اختلافات مرزی شد. در سال ۱۳۱۵ دولت‌های ایران و افغانستان قرار گذاشتند هر مقدار آبی که به بند کمال‌خان برسد، به صورت مساوی میان دو کشور تقسیم شود. در سال ۱۳۱۷ دو کشور پیمان بستند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه‌ی هیرمند که به بند کمال‌خان می‌رسد، از آن بند به بعد به صورت مساوی میان دو کشور تقسیم شود. برای آن‌که آبی بیش از بند

که در پس آن یک تاریخ نهفته است. منظور از حقابه‌ی هیرمند نیز دادخواست ایران از رودی با همین نام است که در مرز بین ایران و افغانستان قرار دارد و آب مصرفی بسیاری از مرزنشینان را تأمین می‌کند. پیش از این، رود هیرمند در هر دو کشور ایران و افغانستان جریان داشته‌است. در سال ۱۸۵۷ میلادی هرات از ایران جدا می‌شود و دولت افغانستان از جاری ساختن این رود در کشور ایران خودداری می‌کند و این مسئله به موضوعی زیست‌محیطی، سیاسی و اجتماعی برای دو کشور تبدیل می‌شود. خشکسالی‌ها و کم‌آبی‌های مرزنشینان ایران و افغانستان مناقشات بسیاری را در پی داشته‌است. در زمان رضاشاه

هیرمند رودخانه‌ای است که از کوه بابا در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و بعد از طی نمودن ۱۰۵۰ کیلومتر به دریاچه‌ی هامون در منطقه‌ی سیستان در کشور ایران می‌ریزد. این رود دلتای رودخانه را در ناحیه‌ی سیستان تشکیل می‌دهد و گستره‌ای به وسعت ۱۸,۲۰۰ کیلومتر مربع دارد که ۴۰ درصد آن در خاک ایران می‌باشد. جهت جریان هیرمند بعد از بند کمال‌خان در ناحیه‌ی دلتا به سمت شمال است و در بند کوهک دو شاخه شده و شاخه‌ی سیستان وارد هامون هیرمند می‌شود. همچنین رود هیرمند در قسمتی از مسیر خود مرز بین دو کشور ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد. حقابه‌ی هیرمند، حقابه‌ای است

در پی شروع درگیری‌های مرزی از سوی طالبان سردار «احمدرضا رادان»، فرماندهی کل نیروی انتظامی کشور، دستورات لازم را به مرزبانان ابلاغ و تأکید کرد که شجاعانه و قاطعانه از مرزها دفاع کنند و به هیچ احدی اجازه‌ی تعدی و نزدیک‌شدن به مرزها را ندهند. در این دستور تأکید شده‌است که نیروهای مرزی جمهوری اسلامی ایران به هرگونه تعرض مرزی قاطعانه پاسخ خواهند داد و حاکمان فعلی افغانستان باید در قبال عمل نسنجیده و مغایر با اصول بین‌المللی خود پاسخگو باشند. نکته‌ی قابل توجه این است که در مدت اخیر تنش‌های بین دو کشور ایران و افغانستان بر سر حقایق‌های هیرمند افزایش یافته‌است. با سدسازی‌های پی‌درپی اخیر در افغانستان بر روی رود هیرمند، منبع تأمین آب شرق ایران تقریباً قطع شده و باعث خسارات بسیاری شده‌است. مقامات ایران تأکید دارند که از سدهای ساخته‌شده بر روی رود هیرمند بازدید کنند؛ اما طبق سخنان ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، احتمالاً ایران این اجازه را نخواهد داشت و تنها در برخی نقاط آب هست. این در حالی است که تصاویر ماهواره‌ای از میزان آب در سدهای افغانستان مقادیر بسیار زیادی آب در سدهای کجکی و کمال‌خان را نشان می‌دهد و ادعای اخیر مقامات طالبان را رد می‌کند.

شناخت و اجرای آن را لازم اعلام نمود. با این حال در دوره‌ی نخست حکومت طالبان (در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) مسیر آب هیرمند به روی ایران بسته شد. طالبان با بستن آب رودخانه‌ی هیرمند خسارات فراوانی به ایران و به‌خصوص مردم سیستان وارد نمود. طالبان با این کار باعث افزایش شدید خشکسالی در مناطق حاشیه‌ی هیرمند شد و در پی آن حجم دریاچه‌ی هامون نیز به‌شدت کاهش یافت. اقدامات افغانستان و طالبان در طی چند سال گذشته برای انحراف آب هیرمند از مسیر اصلی و جلوگیری از ورود آن به ایران، هیچ‌گاه متوقف نشده‌است و مقامات این کشور بارها به بهانه‌های واهی از جریان‌یافتن طبیعی آب هیرمند به سمت ایران جلوگیری نموده‌اند. در ماه گذشته دو تن از مرزبانان سیستان و بلوچستان به شهادت رسیدند. طبق گزارش جانشین فرماندهی نیروی انتظامی کشور، نیروهای طالبان از سمت افغانستان با زیرپا گذاشتن قوانین بین‌المللی و حسن همجواری با انواع سلاح به تیراندازی به پاسگاه ساسولی واقع در حوزه‌ی هنگ مرزی زابل مبادرت نمودند که با واکنش قاطعانه‌ی مرزبانان دلیر و شجاع فراجا مواجه شدند. این درگیری در مرز سیستان و بلوچستان ایران و ولایت نیمروز افغانستان و در مناطقی همچون اطراف روستاهای ساسولی، حاتم و ماکی رخ داده‌است.

کمال‌خان مصرف نشود، دولت افغانستان اعلام کرد و پیمان بست که دیگر هیچ آبراه تازه‌ای در این فاصله احداث نخواهد کرد. همچنین دو دولت اعلام کردند که هیچ‌گونه اقدامی انجام ندهند که باعث کاهش آب طرفین شود. در سال ۱۳۱۸ دولت ایران این اعلامیه را تصویب کرد. در همان حال در کشور افغانستان نهرهای بقرا و سراج به صورت مهندسی شده، کنده شد که ایران را از بخش زیادی از آب هیرمند محروم می‌کرد.

با گذشت زمان، شمار بندهایی که افغانستان بر روی رود هیرمند زد، بیشتر شد که در پی آن آب هیرمند در ایران آن‌چنان کاهش یافت که تنها در طول یک سال منجر به مرگ بیش از دو هزار و چهارصد رأس گاو و کوچ گسترده‌ی مردم ساکن سیستان شد. با افزایش بی‌آبی در منطقه‌ی سیستان و خسارات فراوان به مردم این ناحیه، در سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۱ گزارش کمیسیون دلتا میان امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر ایران، و محمد موسی شفیق، نخست‌وزیر افغانستان، در کابل به امضاء رسید و مقرر شد در هر ثانیه ۲۶ مترمکعب آب (معادل ۸۵۰ میلیون مترمکعب در سال) به سیستان و دریاچه‌ی هامون برسد.

پس از تغییر نظام حکومتی افغانستان از سلطنت به جمهوری، دولت افغانستان این معاهده را به رسمیت



وزنه‌ی سنگین جهانی

افزایش اثرگذاری سیاسی ایران در جهان

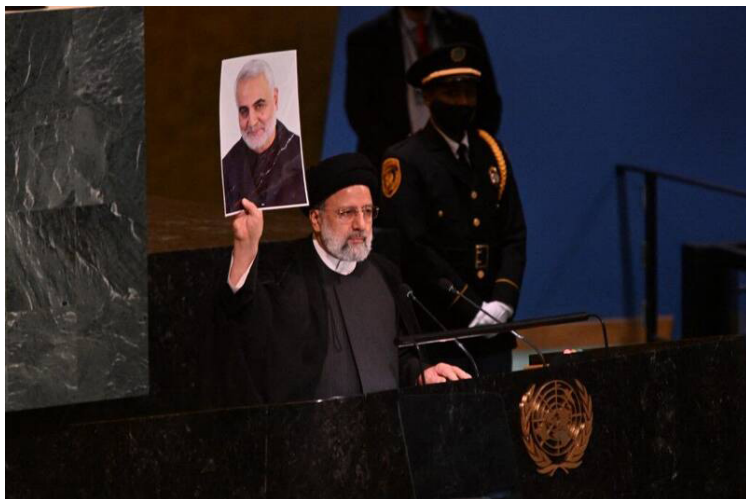
● نرگس خطیب - کارشناسی زیست گیاهی

را احیا و با استفاده از همین فکر رقیبان خود را کنار زده و با سایر کشورها تعامل مؤثر داشته‌باشد. از سویی دیگر، سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه با شکست مواجه شد. در تمام این سال‌ها دو رژیم سعی داشتند تا با عادی‌سازی روابط، به‌خصوص با عربستان به مقاصد خود برای منزوی کردن ایران و کشورهای مسلمان و عرب برسند؛ اما نتنها این سیاست عملی نشد بلکه نتیجه‌ی عکس داد. آمریکا و رژیم صهیونیستی هم در منطقه غرب آسیا و هم در تمام دنیا منزوی شده‌است. این رخداد برای ایالات متحده شکستی سنگین بود؛ چراکه این رژیم از سال ۱۹۴۵ در تلاش بود که نفوذ و سلطه‌ی خود را بر نهادهای بین‌المللی حفظ کند تا این نهادها در راستای منافع ایالات متحده قدم بردارند؛ اما اکنون این سلطه و هیمنه شکسته شده‌است. اهمیت دیگر حضور ایران در نهادهای بین‌المللی مربوط به نقش علمی و فناوری ایران است که در هر حوزه‌ای قابل مشاهده و بررسی می‌باشد.

واضح است که ایران باید از فرصت ایجادشده بهترین استفاده را در جهت پیشبرد منافع ملی داشته‌باشد و در راستای این مهم، لازم آن است که بی‌نظمی و بی‌عدالتی حاضر در جهان را بشکنند؛ یعنی از بین بردن یک‌جانبه‌گرایی که از سلطه‌ی ایالات متحده به وجود آمده و برافراشتن علم چندجانبه‌گرایی درست مثل کنشی که اکنون در حال وقوع است.

پرداختن به این موضوع که برخی می‌گویند این انتصاب به صورت دوره‌ای است، با نیت تضعیف و کم‌اهمیت جلوه‌دادن همین موضوع است. مهم آن‌جاست که رئیس وقت مجمع از میان نامزدهای مختلف، ایران را برگزیده‌است و این یعنی سیاست‌های جدید جمهوری اسلامی درباره‌ی ارتباط با جهان تضمین شده‌است و تنها راه پیش روی ما جلب توجه برخی کشورهای خاص نیست بلکه حتی می‌توان گفت برعکس باید برخی کشورها را در هر عرصه‌ای شکست و زیر سؤال برد. درحقیقت، سیاست درست جمهوری اسلامی به منظور جلب اعتماد کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و همچنین کشورهای عربی و غرب آسیا سبب شد ایران از طرف گروه منطقه‌ی آسیا به عنوان نماینده‌ی آسیا در جایگاه ریاست بر مجمع معرفی شود. درواقع ایران به خوبی توانسته سیاست همراه‌سازی را اجرا و روابط خود با دیگر کشورها

بار دیگر به جهانیان ثابت شد که در همیشه روی پاشنه‌ای که آمریکا می‌خواهد، نمی‌چرخد و نقشه‌ی ایالات متحده برای منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران در جوامع بین‌المللی و عمومی با شکست مواجه شده‌است. پروژه‌ی ایران‌هراسی که در دستور کار چندین کشور معاند قرار داشته و دارد، با انتخاب ایران با عناوینی مانند نایب‌رئیس مجمع عمومی سازمان ملل، ریاست ایران بر مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر و عضو هیئت رئیسه‌ی کمیته‌ی خلع سلاح و عدم اشاعه‌ی مجمع عمومی زمین خورد. انتخاب ایران با این عناوین نشان‌دهنده‌ی آن است که ایران اکنون به درجه‌ای از اقتدار و قوت رسیده‌است که مخالفان خود و ابرقدرت‌های جهانی را به چالش بکشاند و این حضور فعال ایران بیان می‌دارد، علی‌رغم تمام تحریم‌ها و شایعه‌پراکنی‌های موجود، نقش ایران در مجامع بین‌المللی کم‌رنگ نخواهد شد.



از رنجی که می‌بریم

روایت بحث و گفت‌وگو بین استاد و دانشجو در کلاس درس

● نرگس علینقیان - کارشناسی جامعه‌شناسی

از اساتید مجالی برای صحبت و بحث به این افراد را نمی‌دهند و اگر هم بدهند با مهارت‌های خود در صدد هستند تا به این افراد برچسب بزنند. برای مثال در طول اغتشاشات اخیر، اساتیدی بودند که در باب اتفاقات پیش‌آمده حرف‌هایی می‌زدند که به زعم آن‌ها صحیح است و هنگامی که دانشجویان دغدغه‌مند و انقلابی وارد چالش و بحث با آنان می‌شدند، به نحوی سعی در سرکوب آنان داشتند. در نتیجه، دیگر حتی دانشجویان دغدغه‌مند نیز میلی برای صحبت و بحث در کلاس ندارند و ترجیح می‌دهند تا سکوت اختیار کنند. این

را به فضایی زرد مبدل می‌سازند. این مسئله نیز بیشتر می‌تواند در مقطع کارشناسی که دانشجو تازه دارد با فضای تخصصی علم‌آموزی روبه‌رو می‌شود، مشاهده کرد. دانشجو استاد خود را فردی می‌بیند که تصور دارد می‌تواند همه چیز را از او یاد بگیرد؛ ولی متأسفانه برخی از اساتید، کلاس درس را میدانی می‌بینند برای آن که هر اندیشه‌ای که به‌زعم آن‌ها درست است را با مهارت استادی در درون دانشجوی ساده‌ای کنند که تازه، پا در دانشگاه گذاشته‌است. در نهایت، آن فضای دوسویه‌ی مدنظر که می‌تواند بایی شود، جهت بحث و

اغتشاشات ۱۴۰۱ به نوعی پس از مدتی احوالات دانشگاه و دانشجویان را نیز درگیر خود کرد. این امر می‌توانست به‌خصوص کلاس‌های درسی را بستری برای بررسی و تحلیل قرار دهد و ارتباطی دوسویه میان دانشجویان و اساتید برقرار نماید تا کلاس‌های خشک درسی به مکانی حقیقی برای علم‌آموزی تبدیل شود.

این مسئله در دانشگاه ما نیز که به گونه‌ای شاهد اعتراضات دانشجویی بود، تبلور نمود. هرچند که عمق سطح دغدغه‌جویی و تحلیل در میان دانشجویان معترض به شکلی مایه‌ی تأسف بود. در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، دانشجویان معترض، حتی آنان که توده‌ای و یا مارکسیست بودند به قدری سطح مطالعه و دانش خود را افزایش می‌دادند که حتی تئوری‌پردازی نیز می‌کردند. چیزی که در دانشجوی امروز دیده نمی‌شود و یا بسیار کم است. این مسئله را می‌توان از آن نشأت گرفت که دانشجوی امروز به‌رغم دغدغه‌ی انتقادی‌ای که دارد، دغدغه برای بالابردن سطح دانش خود ندارد و این مسئله باز برمی‌گردد به دانشگاه و کلاس‌های درسی که بستری مهم برای درک و دریافت است و اساتید در این بین نقشی محوری ایفا می‌کنند.

در ظاهر هر چند که باید از اساتید انتظار داشت تا با گفت‌وگوهای دوسویه میان خود و دانشجویان به نقد مصلحانه، منصفانه و تحلیل‌بپردازند؛ اما در باطن، قضیه به شکلی دیگر است. اساتیدی وجود دارند که نه‌تنها فضای کلاس را مناسب‌سازی جهت بحث و گفت‌وگوی صحیح نمی‌کنند بلکه گفت‌وگوهای کلاسی

در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، دانشجویان معترض، حتی آنان که توده‌ای و یا مارکسیست بودند به قدری سطح مطالعه و دانش خود را افزایش می‌دادند که حتی تئوری‌پردازی نیز می‌کردند. چیزی که در دانشجوی امروز دیده نمی‌شود و یا بسیار کم است.

هم از رنجی که می‌بریم. نکته‌ای که می‌تواند قابل تأمل باشد، این است که این‌گونه از اساتید با چه معیار و ملاک‌هایی به دانشگاه که فضایی علمی است راه می‌یابند؟ آیا دانشگاه نباید بر روی اساتید که منبعی برای علم‌آموزی هستند، نظارت دقیق داشته‌باشد؟ باید بینیم که آیا مسئولان دانشگاه پاسخی برای پرسش‌های ما دارند یا خیر.

گفت‌وگوی صحیح، ناخودآگاه مبدل به فضای یک طرفه‌ای می‌شود که استاد هرآن‌چه که می‌خواهد می‌گوید و دانشجوی کم‌تجربه با ذوق سر تکان می‌دهد و تأیید می‌کند.

در این میان هم دانشجویانی حضور دارند که برعکس دارای تفکر انتقادی هستند و در عین حال دغدغه‌ی بالابردن دانش خود را دارند و این‌چنین با برخی از اساتید درگیر می‌شوند. به نحوی که این‌گونه

پایان دوره‌ی بناپارتیسم پهلوی دوم

مروری بر قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

فاطمه پیروزی، کارشناسی ادیان و عرفان

امام خمینی(ره): «پانزده خرداد مبدأ اصلی انقلاب اسلامی در تاریخ بود که پیرو نهضت‌های دیگر و قیام‌های دیگر نبود. این قیام، قیام قرآنی و اسلامی بود.»

شاید سؤال پیش بیاید، علت این سخن امام چیست؟

بی‌انصافی‌ست اگر تنها از زاویه‌ی اعتراض به دستگیری امام به آن قضیه نگاه کنیم. با توجه به مستندات تاریخی نتیجه می‌گیریم نتیجه‌ی اعتراضات و اتفاقات مهم حدوداً به سال ۱۳۴۰ برمی‌گردد. فوت آیت‌الله بروجردی نقطه‌ی عطفی بود برای علنی شدن مبارزات روحانیون و عامه‌ی مردم با شاه و عوامل او. این اعتراضات تا حد زیادی ناشی از لایحه‌ی ایالتی و ولایتی بود. این لایحه اعتراضات را برانگیخت؛ زیرا به صراحت متضاد لایحه‌ی ایالتی و ولایتی‌ای بود که در مجلس مشروطه تصویب شده بود. این مبارزات و سرکوب‌ها پی‌درپی ادامه داشت تا وقتی که امام طی پیامی اعتراض خود را اظهار کردند. این اعتراض توهین‌های شاه به روحانیت در پی داشت.

امام خمینی بعد از اهانت شاه در پایگاه وحدتی دزفول از طریق پیغامی به علما هشدار دادند و نوروز سال بعد یعنی سال ۴۲ را عزای عمومی اعلام نمودند: «هدف اجانب قرآن و روحانیت است... دست ناپاک اجانب قصد دارد قرآن را از میان بردارد. روحانیت را پایمال کند... من این عید را برای جامعه‌ی اسلامی عزا اعلام می‌کنم تا مسلمین را از خطرهایی که برای قرآن و مملکت قرآن در پیش است، آگاه کنم.»

سوم عید با سالروز شهادت امام صادق(ع) مصادف شد و قرار بر این بود که چند تن از علمای بزرگ سه مجلس در بیت امام، مدرسه‌ی حجتیه و مدرسه‌ی فیضیه برگزار کنند. حدود ۱۰ هزار نفر از سراسر کشور به قم آمدند. جلسه در مدرسه‌ی فیضیه در حال برگزاری بود. ساواک مطلع شد. تعدادی از آن‌ها در لباس مبدل وارد مردم شدند تا از درون مراسم را منحل کنند. بقیه هم بیرون مجلس آماده‌باش بودند. اواسط

مردم در حال حرکت به سمت پل باقرآباد هستند. نیروهای ساواک از قبل در آن‌جا مستقر شده‌اند. همین که تظاهرات کنندگان به آن‌جا می‌رسند، زیر بار تیر قرار می‌گیرند. تمام کفن‌پوشان به خاک‌وخون کشیده می‌شوند...؛ اما قیامی که با چنین هدف متعالی شکل گرفته است، با تیر و تفنگ نمی‌خوابد.

حال برآنیم تا بدانیم پاسخ سؤال اول متن چیست؟ یکی از دلایلی که امام خمینی این قیام را مبدأ اصلی انقلاب می‌دانستند این است که به واسطه‌ی رخداد ۱۵ خرداد و جنایاتی که رژیم طاغوتی علیه مردم مرتکب شد، به همه‌ی مردم ایران ثابت شد که شاه در اصل با دین مقابله دارد؛ یعنی ۱۵ خرداد ۴۲ چهره‌ی ضددینی و ضداسلامی شاه را برای مردم آشکار کرد. دلیل دیگر اینکه این قیام آغاز یکپارچه‌شدن سه عامل مهم و حیاتی در کشور بود. سه عامل اسلام، امام و مردم.

وحدتی که بین مردم ایجاد شده بود، شعار و هدف مشترکی که شکل گرفته بود و اعتقاد محکم به رهبری امام خمینی که در جان‌های مردم رسوخ کرده بود، مانع از سرخوردگی و شکست آن‌ها می‌شد. سخنرانی‌های امام طوری به دل‌های مردم می‌نشست که حاضر بودند در هرشرایطی پای منبر او بنشینند و گوش دل فرادهند.

انگار که در آن شرایط سخت تنها دلخوشی مردم همین سخنرانی‌ها بود. به قدری اثرگذار بود که با کشتار و قتل عام شاه، مردم بیشتری به میدان می‌آمدند. سخنان امام بود که دهقانان کفن‌پوش را در خط مقدم تظاهرات حاضر کرد؛ با وجود اینکه پیش از آن شاه براساس لایحه‌ی ایالتی و ولایتی اصلاحات ارضی به نفع آن‌ها انجام داده بود. درد مردم مال و ثروت نبود. غیرت دینی آن‌ها بود که به جوش آمده بود. هدف و نیت آن‌ها الهی بود که دوام آوردند تا انقلاب اسلامی را رقم زدند.

سخنرانی آیت‌الله انصاری عده‌ای ناگهان ذکر صلوات سردادند. ایشان هم که مطلع شده بودند سعی در آرام کردن مجلس داشتند؛ اما صلوات‌ها تمامی نداشت. مجلس که به هم خورد، نیروها به داخل حمله کردند و به زدوخورد مردم بی‌سلاح پرداختند. طلبه‌ها را از پشت بام به پایین پرت کردند. این مبارزه و حمله تا نیمه‌شب ادامه داشت. گذشت و ۱۳ خرداد و عاشورای حسینی رسید. امام خمینی در مدرسه‌ی فیضیه سخنرانی داشتند. (پیشنهاد می‌دهم سخنرانی مفید و کوبنده‌ی ایشان را از دست ندهید). ایشان در سخنرانی خود شاه، اسرائیل و آمریکا را محکوم کردند. شاه و حکومت او را از عوامل سیاه آمریکا دانستند. ایشان در ادامه، حکومت را به بنی‌امیه و قضیه‌ی مدرسه‌ی فیضیه را به عاشورا تشبیه کردند. سخنان امام طوری بود که دولت ناچار شد که دستور دستگیری امام را در نیمه‌شب همان روز صادر کند. امام را دستگیر کرده و به تهران فرستادند. تا صبح نشده خبر به خیلی‌ها رسید. در چند شهر تظاهرات آغاز شد. جمعیت تظاهرات به قدری بود که حکومت تصوری از آن نداشت. به همین دلیل تا ساعت‌ها ساواک برنامه‌ای برای مقابله نداشت؛ اما این‌ها در روز چهاردهم خرداد بود. در پانزدهم چه اتفاقی افتاد؟ در این روز اعتراضات در تهران، ورامین و تبریز گسترده‌تر شد. در ورامین مرسوم است در روز ۱۲ محرم در امامزاده جعفر بن موسی‌الکاظم(ع) مراسم عزاداری بزرگی گرفته شود. در سال ۱۳۴۲ هم مثل همیشه این مراسم در حال برگزاری بود که به‌ناگاه یکی از مداحان با بلندگو خبر دستگیری امام را اعلام می‌کند. بعد از اعلام این خبر، خودجوش و بدون برنامه‌ریزی قبلی ذکر هیئت تبدیل به شعار می‌شود. شعارهایی از قبیل: خمینی، خمینی، خدانه‌گذار تو! بمیرد، بمیرد، دشمن خونخوار تو! جمعیت افزایش پیدا می‌کند. تظاهرات به سمت تهران آغاز می‌شود. در میان راه چندین دهقان کفن‌پوش و بی‌هیچ سلاحی در خط مقدم قیام قرار می‌گیرند.

مردی شتابان آمد!

جستاری بر آقای دکتر وزیر دانشمند شهید

● هدیه گیاه تازه، کارشناسی آمار و کاربردها

ما، این آتش سوزان در دل اوست که در دل همه است؛ اما آقامصطفی نمی‌گذارد خاموش شود. عشق به محبوب و علاقه برای شبیه‌شدن هرچه بیشتر به او آقامصطفی را در خود ذوب کرده‌است. آقامصطفی می‌خواهد شبیه امیر دل‌ها شود تا در خدا ذوب شود. همه می‌خواهند شبیه آقامصطفی شوند. آقامصطفی در مدرسه‌ی جبل عامل لبنان، عربی را اشتباه تلفظ می‌کند و همه از او تقلید می‌کنند. آقامصطفی ریش پر و مشکی می‌گذارد با موهای کم‌پشت. هم‌زمان جوان‌تر او ریش پرپشت می‌گذارند با موهای کم‌پشت!

آقامصطفی آتش دل خود را خاک‌مال نمی‌کند؛ حتی اگر بهای آن دست‌شستن از بهترین امکانات کشور آمریکا باشد؛ حتی اگر خون از پای مجروح او راه بیفتد، باز هم حاضر نیست در دفتر وزرات دفاع کولر روشن کند. شاید که شبیه مجاهدین راه خدا در جبهه‌های داغ اهواز شود. آقامصطفی مردی است برای تمام زمان‌ها و شخصیت‌ها. مردی است منتهای آرزوی هر مجاهد راه خدا؛ آنجا که امام (ره) فرمود: «مثل چمران بمیرید.»

همان فکری که او را قانع می‌کند که از همه چیز دست بشوید و همراه و ملازم فقر و سختی در لبنان شود. آنچه بین آقامصطفی با کرور کرور برنده‌ی نوبل و عالم بی‌نام و نشان فرق می‌گذارد همین است. آقامصطفی به برکت فکر خود راه هفتاد ساله را در یک شب طی می‌کند. همین طی طریق آنقدر او را رشد می‌دهد که امام عزیز (ره) او را حمزه‌ی انقلاب می‌نامد. آدمی که آخر یک راه پر پیچ‌وخم است و راه را آنچنان طی کرده که در هر زمینه‌ای سرآمد شده، بی‌شک راهنمای راه است و این نیز جز به برکت فکر عمیق ایشان نیست.

سومین صفت اما برای آقامصطفی جوهره‌ی اراده‌ی اوست. چقدر آدم هستند که دل آن‌ها برای فلان فقرای فلان خطه می‌سوزد؟! چند نفر از آن‌ها کاری می‌کنند و دستی می‌جنبانند؟! قلّه‌ی اخلاق آقامصطفی فقط در پیدا کردن راه درست نیست بلکه در مشقتی است که او تحمل می‌کند تا راه درست را طی کند؛ حتی اگر همسر و فرزندان او آقای دکتر را ترک کنند و تاب نیاورند این همه سختی را. نکته‌ی آخر در آقای دکتر عارف عزیز

نوشتن از مردی که دنیا و هر آنچه در او بود را سه طلاقه کرده‌بود، برای همچون منی که همچنان از دیدن نام خود زیر یادداشت‌ها خوش‌حال می‌شوم خیلی ناممکن به نظر می‌رسد!

آقای مصطفی چمران احتمالاً آرزوهای دور و دراز خیلی‌ها را زندگی کرده‌بود. تأکید بر اینکه آقا مصطفی امکانات آمریکا را رها کرد، به گمان من به قدر کافی شکرک زده‌است که دیگر لازم نباشد همه‌جا را آدین بندیم که یک نخبه‌ی علمی از بهترین شرایط کاری دست شست و به معدن فقر و سختی شتافت. آنچه جفا در حق دکتر می‌باشد، دقیقاً همین است که او را در یک ضریب هوشی بالا خلاصه کنیم!

عصاره‌ی صفات متبلور او در چند مورد از چشم دورمانده دیده می‌شود. اول آنکه دکتر بیش از اینکه آدمی با IQ بالایی باشد، آدمی با EQ بالاست. توجه او به جزئیات حال آدم‌هاست که او را دکتر چمران می‌کند؛ نه رتبه‌ی ۱۵ او در کنکور! درک بالایی می‌خواهد وقتی در سرمای زمستان کسی را ببینی روی زمین خوابیده، خودت هم بیایی و رخت‌خواب خود را جمع کنی تا لاقل هم‌درد او شوی؛ حتی اگر خیلی کم‌سن باشی و کاری از دستت برنیاید تا برای او بکنی.

دومین صفت متبلور در ایشان، جوهره‌ی فکر اوست. فکری که در راه درست قرار گیرد، چراغ راه است. عصاره‌ی فکر است که در عمل تبلور دارد. خیلی کم پیش می‌آید انسانی اهل فکر نباشد؛ اما در یک قلّه‌ای از انسانیت قرار گرفته باشد! تمام بهترین سال‌های جوانی آقامصطفی در بهترین دانشگاه‌های دنیا به درس خواندن سپری شده‌است. در این مورد جای شکی نیست؛ اما آنچه او را در یک شب هفتاد سال جلو می‌اندازد، فکر آقامصطفی است.



بانگ بیداری در جهان

به مناسبت سالروز رحلت مرد راه حق، امام خمینی (ره)

اولین تجربه نویسنده‌گی

● محدثه مولایی - کارشناسی مطالعات زنان و خانواده



فرزندی زاده شد همراه با نور، نوری از انوار الهی؛ فرزندی زاده شد در سرای این مرزوبوم؛ فرزندی زاده شد تا تاریخ بداند و بفهمد که می‌شود خود را عوض کرد؛ تا بداند و بفهمد که ظلم ماندنی نیست؛ تا بداند و بفهمد که فرزندی از زمان آدم تا خاتم (ص) تا عصر حاضر بودند، هستند و خواهند بود که به وقت خود خواهند آمد.

رسید موعود آمدن مردی از جنس محمد (ص) و علی (ع) که تنها بود و بی‌بدیل در آنچه که خدا خواسته بود. سؤال این جاست که خدا چه خواسته و همه‌ی ما می‌دانیم که الله خواسته ظلم نپذیریم. او زیر بار ظلم نرفت که ظالم نباشیم. او می‌دانست که خدا چه می‌خواهد. همان شد؛ مهربان، عارف و عاشق. همان جمله‌ی معروف امام که عالم محضر خداست. در همه چیز جز خدا و خواست خدا نمی‌دید. به قول گفتنی آن چه خوبان همه دارند، او یک‌جا داشت. همه‌ی خوبی‌هایی که باعث رقم خوردن تاریخ متفاوتی در جهان هستی شد. تفاوت‌هایی که از نوزاد تا پیر آن را درک کردند. تفاوتی که هر آن کسی که ظالم بود را لرزاند، شانه‌های آن‌ها را به خاک مالید و راحت‌تر بگویم او شد روزبه زمان معاصر. این خصایص بود که امام خمینی را کرد مردی قوی، باینه و محکم برای ایستادن در برابر ظلم و ظالم. او آمن به هدف، آمن بسبب، آمن بقوله و آمن برنه (هدف، راه، مردم و خدا) بود.

از حق نگذریم، او به‌واقع روح خدا بود که طاغوت را به زانو درآورد. او چنان به خودشناسی و خداشناسی رسیده‌بود که همه‌ی حرف‌ها و سخنان او جز خواست خدا چیزی نبود و این همان دلیلی بود که مردم او را باور کردند. مصداق بارز این حدیث امام صادق (ع) که فرمودند: «کونوا دعاه الناس»؛ یعنی مردم را با رفتار، منش و سیرت خود به اسلام دعوت می‌کرد. او چنان صادق و پایمان بود و عمل می‌کرد که نمی‌شد او را باور نکرد و این خصایص او شد راهی که مردم در او نور را دیدند و فهمیدند که

السَّاقِی أَدْر كَأْسًا و ناول‌ها / که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها»

عشق آمد و مردم قوی این مرزوبوم را قوی‌تر کرد. آن چنان قوی که سر دادند، دست دادند، تن دادند؛ ولی غرور، عزت و غیرت نه. او نشان داد که نه دنبال قدرت بود و نه ثروت. تمام نگرش او این بود که حسین (ع) و علی (ع) در این سرزمین حکومت کنند و دوباره زنده شوند. علی (ع) که زنده‌شدن او زنده‌شدن عدالت بود و حسینی (ع) که زنده‌شدن او زنده‌شدن آزادی و مهدی (عج) که آمدن او به وعده‌ی الهی ختم خواهد شد و مردن هر آن چه بدی در جهان است. همان تفکرات روح‌الله، جوانان این سرزمین را به جایی رساند که جهان استکبار را به زانو درآورد؛ چه از لحاظ سیاست، حکومت، چه عدالت و چه... خمینی یادمان انداخت که: «لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»، وعده‌های خداوند، قطعی و تخلف‌ناپذیر است.

می‌شود در برابر مغول عصر و داعش زمان ایستاد.

مردم از او یاد گرفتند هر آن چه را که استکبار از فهمیدن آن توسط مردم هراس داشت و آموختند که ظلم و استکبار باید برود؛ هر چقدر هم که سمج باشد و هر چقدر هم که جا خوش کرده‌باشد. یادآور شد که شما رهرو علی (ع) و حسین (ع) هستید، رهرو حسین (ع) باشی و سر ندهی برای آزادی، پوچ هستی. رهرو علی (ع) باشی و ظلم و خودخواهی را به زانو دریاوری، پوچ هستی. مردم دیدند و فهمیدند با خمینی شیعه دوباره زنده خواهد شد و زندگی خواهد کرد. امام یاد داد شیعه صدایش از هر چه که صدایش را بالاتر برد، برنده‌تر و قوی‌تر است؛ چون شیعه محور هر چه خوبی در جهان هست، است. این بیدار شدن مردم، عشقی برای رسیدن دوباره‌ی شیعه به علی (ع) شد و این جاست که حافظ می‌گوید: «الا یا ایها

مشروعیت نظام مردم‌سالاری

خلاصه‌ی فصل هفتم و آخرین فصل کتاب مردم‌سالاری دینی از منظر رهبر انقلاب

● فاطمه خلیلی‌یگانه، کارشناسی تاریخ

گفت. این مسئله باید به عنوان عنصری مؤثر، تحولی را در نظریه‌های مطرح در باب مشروعیت نظام اسلامی ایجاد نماید و متفکران اسلامی برای تبیین مشروعیت مبتنی بر این الگو، راهکارها و نظریه‌های جدیدی ارائه نمایند. نظریه‌ی مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی ارائه شده توسط آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به این موضوع ارائه گردیده‌است. طرح نظرات سیاسی و بسط مفهوم حکومت دینی توسط ایشان، به سال‌های پیش از رهبری و زعامت نظام جمهوری اسلامی توسط ایشان بازمی‌گردد. به عنوان مثال می‌توان به بیانات ۱۱ جلسه‌ای ایشان در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران اشاره نمود که از فروردین سال ۲۶۳۱ آغاز و تا دی‌ماه همان سال ادامه یافت و در قالب مجموعه‌ای با عنوان «حکومت در اسلام» منتشر شده‌است. با مروری بر آراء و نظرات ایشان می‌توان گفت که منشأ مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی برخاسته از اراده‌ی الهی است. ایشان منشأ تمامی حقوق را خداوند متعال دانسته و معتقدند اوست که مکانیسم توزیع حقوق را در جامعه‌ی بشری تشریح نموده‌است. ایشان با صراحت در باب مشروعیت نظام اسلامی اشاره می‌دارند: «مشروعیت این نظام یتفکر اسلامی و به استواری بر پایه‌ی اسلام است.» به عبارتی اگر از حقوق ملت در حکومت نیز سخن به میان می‌آید، باز منشأ این حق، الهی است و چارچوب، حدود و ثغور آن را اسلام مشخص می‌نماید. با مروری بر اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای در باب نظام مردم‌سالاری دینی می‌توان گفت: «از نگاه ایشان، حکومت اسلامی در عصر غیبت را می‌توان نظام مردم‌سالاری دینی خواند که مشروعیت آن مبتنی بر پایه‌هایی شکل گرفته است. این پایه‌ها عبارت‌اند از: ۱. صلاحیت‌های دینی ۲. رضایت و انتخاب مردم ۳. کارآمدی.

مشروعیت است. در مجموع در بررسی مشروعیت نظام سیاسی به سه مؤلفه باید توجه کرد:

۱. مؤلفه‌ی اول؛ ویژگی‌ها و صلاحیت‌های کارگزاران: تقلیل دادن صلاحیت‌ها و محدود کردن آن، تنها به صلاحیت‌های صرفاً علمی، مدیریتی، سیاسی و بی‌توجهی به ملاک‌هایی چون سلامت نفس که محصول تفکر جدایی اخلاق از سیاست و دین از حوزه‌ی حکومتی در غرب است، امروزه به چالشی در نظریه‌پردازی سیاسی در غرب مبدل گردیده‌است.
۲. مؤلفه‌ی دوم؛ فرایند کسب قدرت: راه‌های کسب قدرت متعدد هستند؛ مانند: غلبه، کودتا، براندازی، وراثت، انتصاب، انتخاب نخبگان، انتخاب مردمی که در مجموع در سه دسته‌ی کلی نصب، انتخاب، غلبه می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی نمود.
۳. مؤلفه‌ی سوم؛ کارآمدی نظام سیاسی: روی کار آمدن مجموعه‌ای از کارگزاران و تشکیل نظام سیاسی با هر ملاک و معیاری برای حاکمان و از هر طریق ممکن، با هدف اداره‌ی کشور و سامان امور جامعه معنا می‌یابد. آنچه شرط تداوم مشروعیت نظام سیاسی است، توانایی تحقق اهداف، برنامه‌ها و مدیریت کشور به نحوی است که منافع ملت تأمین شده و رضایت ایشان حاصل آید. عملکرد نظام سیاسی و آنچه از آن با عنوان کارآمدی سیستم یاد شد، در نوسان مقوله‌ی مشروعیت تأثیرگذار است. مفهوم بحران مشروعیت نیز در ادبیات سیاسی اشاره به متغیربودن مفهوم مشروعیت دارد.

امروزه با پیچیده‌شدن جوامع، رشد و گسترش جمعیت و نیازهای اجتماعی و رشد و تکامل ساختار قدرت شاهد شکل‌گیری نظام‌های سیاسی پرقدرت و پیچیده‌ای هستیم که قدرت در دل ساختار آن پراکنده شده‌است. به همین دلیل دیگر سخن‌گفتن از مشروعیت حاکم به‌تنهایی کم‌رنگ گردیده و باید از مشروعیت نظام سیاسی و دولت به عنوان یک کل سخن

حکومت‌ها با اتکا به مشروعیت، زور و قدرت نظامی می‌توانند حیات سیاسی خود را ادامه دهند. نظام سیاسی که مشروعیت خود را از دست داده، تنها با زور می‌تواند به حیات سیاسی خود ادامه دهد؛ مگر آن که مشروعیت خود را دوباره کسب کند. گوهر بحث مشروعیت، مسئله‌ی حقانیت است. مشروعیت، پاسخی به این پرسش‌هاست که چرا عده‌ای حق حکومت دارند و دیگران موظف به اطاعت از آنانند؟

تلقی امروزین غرب از مشروعیت که آن را معدل رضایت مردمی می‌دانند، به آن‌جایی برمی‌گردد که در غرب بعد از تحولات فکری-سیاسی بعد از رنسانس، خاستگاه حقوق «آسمان تیره‌ی کلیسا» به «بهشت زمینی اومانیزم» منتقل گردید و قرار اجتماعی و حقوق طبیعی با محوریت خواسته‌های انسان رها شده از مذهب، مبنای حقوق را تشکیل داد.

در نظام سیاسی حقوقی اسلام و در جمع مسلمانان، مطابق با آموزه‌های اسلامی، منشأ حق، خداوند است و هم اوست که از طریق شریعت مبین اسلام، حقوق را در روابط بشری جاری ساخته‌است. در نتیجه، مشروعیت حکومت اسلامی را باید مشروعیت الهی دانست. تأکید بر تفکیک معنای مشروعیت در فقه سیاسی و اندیشه‌ی سیاسی بی‌معناست؛ زیرا که تفاوت در این دو معنا تفاوت در خاستگاه مشروعیت در دو دیدگاه است. باید اشاره نمود که در جامعه‌ی اسلامی این اسلام است که هنجارها و باورهای ذهنی مردم را متأثر از خود شکل داده‌است و رضایت و عدم رضایت از مسئله‌ای با تأکید یا طرد آن توسط آموزه‌های دینی، همسان خواهد شد. این تطابق ذهن و عین، رمز مدرج‌بودن مقوله‌ی مشروعیت خواهد بود. در مجموع، مکانیسم مشروعیت و رابطه‌ی آن با رضایت مردم را در سؤال و جواب‌هایی خلاصه کرد که در کتاب به طرز روان و ساده‌ای بیان شده‌است. توجه به مؤلفه‌ها و پایه‌های مشروعیت، از مسائل مهم در فهم مقوله‌ی

با زوال هریک، مشروعیت حکومت نیز رنگ خواهد باخت.» می‌توان نظام اسلامی را نظام معیارها دانست؛ بدین معنا که در این نظام، معیارها حاکمیت دارند نه افراد. نکته‌ی مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای این است که با زائل شدن این معیارها و شاخصه‌ها، مشروعیت حاکم اسلامی زائل خواهد شد و جایگاه خود را از دست خواهد داد. در مرحله‌ی تعیین معیارها باید گفت، این دین است که شاخصه‌هایی را مشخص کرده و مردم، نقشی در جعل معیارها نخواهند داشت. در این جا حکم اسلام در باب شرایط حاکم اسلامی، تفاوتی با دیگر احکام شرعی نداشته و وظیفه‌ی مسلمین حکم می‌کند در باب حکومت نیز از احکام دینی که توسط آیات و روایات دینی مشخص گردیده‌است، پیروی شود. حضرت آقا مومنی که از مرور آموزه‌های دینی و احادیث و روایاتی که در باب حاکم اسلامی در عصر غیبت آمده، در سه شاخصه‌ی اصلی فقاقت، عدالت و درایت خلاصه کرده‌است. فقاقت: امام امت، کسی است که بیش از هر کس دیگر نسبت به مکتب آگاهی دارد و راه رسیدن به آن را از درون مکتب استنباط می‌کند. عدالت: شرط اساسی عمل به فرمان‌ها و قوانین الهی توسط حاکم و رهبر جامعه است. البته این عدالت فقط برای رهبر جامعه نیست بلکه هر که هر مسئولیتی دارد باید این اصل را رعایت کند. درایت: ویژگی دیگر که به ضرورت عقل برای حاکم اسلامی متصور است، توانایی مدیریت، هدایت و اداره‌ی جامعه است. امام خمینی (ره) با صراحت فقیه‌ی را که از بینش اجتماعی و سیاسی لازم و توانایی کافی برای تشخیص مصلحت نظام برخوردار نبوده، فاقد شرایط برای ولایت و زعامت جامعه می‌داند. همان‌طور که رهبر معظم فرموده‌اند: «فقیه باید قدرت تقدیر و اداره‌ی امور را داشته باشد، اگر بخواهد جامعه را درست اداره کند.»

صرف وجود صلاحیت، فرد را صاحب حق نمی‌کند. حق حاکمیت، وقتی جاری می‌گردد که صاحب صلاحیت از طریق مشروع به حکومت برسد و این راه مشروع

در نظام مردم‌سالاری، عبور از کانال انتخاب و رضایت ملت است. مطابق نظر رهبر معظم و امام (ره) تنها راه مشروع رسیدن به قدرت، انتخاب مردمی است. قبول و پذیرش مردم، شرط حاکمیت است. این همان چیزی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در رابطه با رهبر مورد نظر قرار گرفته و بر روی آن فکر و تصمیم‌گیری شده است. رهبر طبق قانون اساسی، آن مجتهد عادل، مدیر، مدبر، صاحب‌نظر و بصیری است که یا مردم او را بشناسند یا خبرگان ملت جستجو کنند و چنین کسی را به مردم معرفی کنند. باید گفت مردمی بودن حکومت یعنی نقش دادن به مردم در حکومت. یک معنای دیگر این است که حکومت اسلامی در خدمت مردم است. آنچه برای حاکم اسلامی مطرح است، منافع عامه‌ی مردم است نه منافع اشخاص یا قشر و طبقه‌ی معین. اسلام به هر دو معنا دارای حکومت مردمی است؛ اما مادام که حکومت مردمی به معنای اولی تأمین نشود، یعنی مردم، نقشی در حکومت نداشته باشند، نمی‌شود گفت که حکومت به معنای دومی مردمی است، یعنی که در خدمت مردم است. مردم‌سالاری دینی دارای دو وجه است که یک وجه آن «نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولان» و وجه دیگر آن، «رسیدگی به مشکلات مردم» است که بر همین اساس مسئولان باید مشکلات مردم را به طور جدی پیگیری و رسیدگی نمایند. رهبر انقلاب دو مؤلفه‌ی اصلی شکل‌گیری مفهوم مردم‌سالاری دینی را بر شمرده که اولین آن «انتخاب تمامی مسئولان با رأی و اراده‌ی مردم» است و دومین آن «حکومت عامل و خادم مردم» است. به گفته‌ی ایشان جمهوری اسلامی یعنی آنجایی که هدایت الهی و اراده‌ی مردمی توأم با یکدیگر در ساخت نظام تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که مردم‌سالاری دینی را از دیگر نظرات رقیب جدا می‌سازد، احترام و اعتباری است که این نظریه برای رأی ملت قائل است. مردم‌سالاری اسلامی یعنی مردم‌سالاری متکی به یک منطق قوی و

روشن با همان معیارهایی که اسلام برای حکومت‌کنندگان در هر جامعه‌ای قائل است. حضرت آقا همچنین در تبیین معنا و جوهره‌ی ولایت، تأکید ویژه‌ای بر پیوند بین مردم و امام دارند. ولایت آن وقتی است که ارتباط والی یا ولی با مردمی که ولایت بر آن‌هاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه و محبت‌آمیز باشد؛ یعنی از خود مردم کسی باشد که عهده‌دار مسئله‌ی ولایت و حکومت باشد. اساس کار حاکمیت اسلام این است. ایشان فرموده‌اند که سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد! مطابق نظر رهبر انقلاب، کارآمدی یکی از پایه‌های نظام مردم‌سالاری دینی است و آن را به معنای تحقق اهداف اسلامی دانسته‌اند. به گفته‌ی ایشان، در نظام اسلامی، اعتبار همه‌ی مسئولان به این است که خود را کمر بسته‌ی دین خدا و مجری قوانین و متعهد به قانون اساسی بدانند. قدرت‌طلبی و تلاش غیراخلاقی برای کسب و حفظ قدرت نیز راهکار غیردینی است که طالب آن در هر مقامی باشد، مشروعیت او ساقط می‌شود. بی‌شک، عملکرد صحیح و کارآمد نظام سیاسی همراهی مردم را در پی دارد. در نظام جمهوری اسلامی، اساس حرکت بر پابندی به مبانی است. آن چیزی که به عنوان مبدأ مشروعیت این نظم محسوب می‌شود؛ یعنی ولایت الهی که منتقل می‌شود به فقیه، مشروط است به پابندی بر احکام الهی. در پایان باید اشاره نمود که «مردم‌سالاری دینی»، تلاش برای نظریه‌پردازی از درون معارف خودی و مبتنی بر توانمندی‌های درونی و اسلامی ماست. ارائه‌ی الگویی برای اداره‌ی جامعه، مبتنی بر مکتبی است که ایرانیان به آن باور دارند؛ ولیکن از طرفی آن چه متأسفانه در حوزه‌های آکادمیک و علوم انسانی مشاهده می‌کنیم، این است که این کرسی‌های نظریه‌پردازی نه تنها در خدمت نیازهای جامعه و مبتنی بر آموزه‌های دینی و بومی ملت شکل نگرفته بلکه خود به پایگاه‌هایی برای تئوریزه کردن دیدگاه‌های مخالفان تبدیل گشته‌است.

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_islami_alzahra
@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۶۸۴۷۰۰۳۹۹۱ / ۰۲۶۰۴۸۰۲۶۸۸۰۲۱

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه‌تازه

سردبیر: رقیه خادم‌نیا

هیئت تحریریه: فاطمه خلیلی‌یگانه، هدیه گیاه‌تازه، فاطمه پیروزی‌نیا، محدثه مولایی، زهرا سعیدی، آتنا هوشمند، نرگس علینقیان، نرگس خطیب

صفحه آرا: زهرا جعفری